

## دیه کامل انسان

بحث در اصل در دیه انسان است. تفاوت بین مقدرات در اصل دیه بسیار زیاد است و اثر عملی فاحشی بر آن مترتب است. ما گفتیم به خاطر اختلاف روایات، نمی‌توان به اجماع تمسک کرد و مدرک مساله نصوص و روایات است.

ما گفتیم به صورت کلی سه طایفه وجود دارد هر چند برخی از روایات دیگر هم وجود دارند: یک طایفه بر تخیر بین خصال شش گانه دلالت دارند که بر اساس آنها تمام آنها اصل هستند و جانی در مثل قتل خطایی بین آنها مخیر است.

یک طایفه دلالت می‌کند که اصل در دیه هزار دینار است و باقی خصال از باب قیمت و ارزش هزار دینار گفته شده است. پس اگر گفته شده صد شتر کفایت می‌کند از این باب بوده که در آن زمان صد شتر معادل هزار دینار بوده است و اگر قیمت شتر به خاطر زمان و مکان متفاوت باشد ملاک همان هزار دینار است. از برخی از کلمات هم استفاده می‌شود که ملاک در دیه اکثر الامرین از صد شتر و ارزش هزار دینار است یعنی اگر هزار دینار معادل نود شتر باشد کفایت نمی‌کند و باید حداقل صد شتر باشد که قیمت آنها از هزار دینار کمتر نباشد.

طایفه سوم دلالت می‌کنند که دیه صد شتر است و غیر آن باید بر اساس شتر محاسبه شود. در اینجا به روایات اشاره می‌کنیم:

اولین روایت که دلالت می‌کند اصل در دیه هزار دینار است و باقی امور بر اساس محاسبه قیمت هزار دینار گفته شده است روایت عبدالرحمن بن حجاج است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ سَمِعْتُ ابْنَ أَبِي لَيْلَى يَقُولُ كَانَتْ الدِّيَةُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ مِائَةً مِنَ الْإِبِلِ فَأَقْرَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص ثُمَّ إِنَّهُ فَرَضَ عَلَى أَهْلِ الْبَقَرِ مِائَتِي بَقَرَةٍ وَ فَرَضَ عَلَى أَهْلِ الشَّاةِ أَلْفَ شَاةٍ ثَنِيَّةٍ وَ عَلَى أَهْلِ الذَّهَبِ أَلْفَ دِينَارٍ وَ عَلَى أَهْلِ الْوَرِقِ عَشْرَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَ عَلَى أَهْلِ الْيَمَنِ الْخُلَلِ مِائَةَ حُلَّةٍ قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْحَجَّاجِ فَسَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَمَّا رَوَى ابْنُ أَبِي لَيْلَى فَقَالَ كَانَ عَلِيُّ ع يَقُولُ الدِّيَةُ أَلْفُ دِينَارٍ وَ قِيمَةُ الدِّينَارِ عَشْرَةُ دَرَاهِمٍ وَ عَشْرَةُ آلَافٍ [دِرْهَمٍ] لِأَهْلِ الْأَمْصَارِ وَ عَلَى أَهْلِ الْبَوَادِي الدِّيَةُ مِائَةٌ مِنَ الْإِبِلِ وَ لِأَهْلِ السَّوَادِ مِائَتَا بَقَرَةٍ أَوْ أَلْفَ شَاةٍ. (الكافي، ج ۷، ص ۲۸۰)

مستفاد از این روایت این است که ادای ابل برای اهل بادیه و گاو و گوسفند برای اهل زمین‌های زراعی از باب رخصت است نه لزوم و تعیین.

دومین روایت از ابی بصیر نقل شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع دِيَّةُ الْخَطَا إِذَا لَمْ يُرِدِ الرَّجُلُ مِائَةً مِنَ الْإِبِلِ أَوْ عَشْرَةَ آلَافٍ مِنَ الْوَرِقِ أَوْ أَلْفٌ مِنَ الشَّاةِ وَقَالَ دِيَّةُ الْمُغَلَّظَةِ الَّتِي تُشَبِّهُ الْعَمْدَ وَ لَيْسَ بِعَمْدٍ أَفْضَلُ مِنْ دِيَّةِ الْخَطَا بِأَسْنَانِ الْإِبِلِ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ حِقَّةً وَ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ جَذَعَةً وَ أَرْبَعٌ وَ ثَلَاثُونَ ثَنِيَّةً كُلُّهَا طَرَوْقَةُ الْفَحْلِ - قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الدِّيَّةِ فَقَالَ دِيَّةُ الْمُسْلِمِ عَشْرَةُ آلَافٍ مِنَ الْفِصَّةِ أَوْ أَلْفٌ مِثْقَالٍ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ أَلْفٌ مِنَ الشَّاةِ عَلَى أَسْنَانِهَا أَثْلَاثًا وَ مِنَ الْإِبِلِ مِائَةً عَلَى أَسْنَانِهَا وَ مِنَ الْبَقَرِ مِائَتَانِ. (الكافي، ج ۷، ص ۲۸۱)

این روای با توجه به ذیل روایت که دیه را مشخص کرده است جزو طایفه اول محسوب می‌شود. در این روایت هزار مثقال طلا یا ده هزار درهم نقره ذکر شده و مسکوک بودن آن بیان نشده است. اگر فقط همین دو روایت بودند بین آنها جمع می‌شد به اینکه تخیر مذکور در روایت دوم به عنوان برابری قیمت است نه تخیر در عرض یکدیگر.

روایت سوم:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي الْخَطَا بِشَبِّهِ الْعَمْدِ أَنْ يَقْتُلَ بِالسَّوْطِ أَوْ بِالْعَصَا أَوْ بِالْحِجَارَةِ إِنَّ دِيَّةَ ذَلِكَ تُغْلَظُ وَ هِيَ مِائَةٌ مِنَ الْإِبِلِ فِيهَا أَرْبَعُونَ خَلْفَةً [مَا] بَيْنَ ثَنِيَّةٍ إِلَى بَازِلٍ عَامِهَا وَ ثَلَاثُونَ حِقَّةً وَ ثَلَاثُونَ بُنْتُ لَبُونٍ - وَ الْخَطَا يَكُونُ فِيهِ ثَلَاثُونَ حِقَّةً وَ ثَلَاثُونَ ابْنَةً لَبُونٍ وَ عَشْرُونَ ابْنَةً مَخَاضٍ وَ عَشْرُونَ ابْنٌ لَبُونٍ ذَكَرًا وَ قِيَمَةُ كُلِّ بَعِيرٍ مِنَ الْوَرِقِ مِائَةٌ وَ عَشْرُونَ دِرْهَمًا أَوْ عَشْرَةُ دَنَانِيرٍ وَ مِنَ الْعَنَمِ قِيَمَةُ كُلِّ نَابٍ مِنَ الْإِبِلِ عَشْرُونَ شَاةً. (الكافي، ج ۷، ص ۲۸۱)

سند روایت اگر چه مرسل است اما ما بارها گفته‌ایم که بین تعبیر «عن بعض اصحابه» و تعبیری مانند «عن رجل» تفاوت است و لذا نمی‌توان به راحتی از سند آن عبور کرد. تعبیری مثل «عن بعض اصحابه» کسی است که با او ملازم بوده است و در مورد چنین جهل به حال برای راوی معنا ندارد. و البته این روایت به سند معتبر در تهذیب و من لایحضره الفقیه نقل شده است.

این روایت جزو طایفه سوم است و اینکه اصل در دیه شتر است. و اگر قیمت هر شتر صد و بیست درهم باشد، یعنی دیه دوازده هزار درهم است نه ده هزار درهم و کفایت هزار دینار و یا دو هزار گوسفند به جهت برابری قیمت با صد شتر است.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ فِي الدِّيَّةِ قَالَ أَلْفٌ دِينَارٍ أَوْ عَشْرَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَ يُؤْخَذُ مِنَ أَصْحَابِ الْحُلَلِ الْحُلُّ وَ يُؤْخَذُ مِنَ أَصْحَابِ الْإِبِلِ الْإِبِلُ وَ مِنَ أَصْحَابِ الْعَنَمِ الْعَنَمُ وَ مِنَ أَصْحَابِ الْبَقَرِ الْبَقَرُ. (الكافي، ج ۷، ص ۲۸۱)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَإِنَّهُ يُقَادُّ بِهِ إِلَّا أَنْ يَرْضَى أَوْلِيَاءُ الْمَقْتُولِ أَنْ يَقْبَلُوا الدِّيَّةَ أَوْ يَتَرَاصُوا بِأَكْثَرِ مِنَ الدِّيَّةِ أَوْ أَقَلِّ مِنَ الدِّيَّةِ

فَإِنْ فَعَلُوا ذَلِكَ بَيْنَهُمْ جَارَ وَإِنْ تَرَجَعُوا أَقِيدُوا وَقَالَ الدِّيَّةُ عَشْرَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ أَوْ أَلْفُ دِينَارٍ أَوْ مِائَةٌ مِنَ الْإِبِلِ.  
(الكافي، ج ۷، ص ۲۸۲)

این روایت جزو طایفه اول است که مفاد آن تخیر بین خصال است و البته در آن سه خصال ذکر شده است که با روایات دیگری که در آن شش خصال وارد شده است منافاتی ندارد.

روایت دیگر:

عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: فِي قَتْلِ الْخَطَايَا مِائَةٌ مِنَ الْإِبِلِ أَوْ أَلْفٌ مِنَ الْعَنَمِ أَوْ عَشْرَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ أَوْ أَلْفُ دِينَارٍ فَإِنْ كَانَ الْإِبِلُ فَخَمْسٌ وَعِشْرُونَ ابْنَةً مَخَاضٍ وَخَمْسٌ وَعِشْرُونَ ابْنَةً لَبُونٍ وَخَمْسٌ وَعِشْرُونَ حِقَّةً وَخَمْسٌ وَعِشْرُونَ جَذَعَةً وَالدِّيَّةُ الْمَغْلُظَةُ فِي الْخَطَايَا الَّذِي يُشْبِهُ الْعَمْدَ الَّذِي يَضْرِبُ بِالْحَجَرِ أَوْ بِالْعَصَا الضَّرْبَةَ وَالضَّرْبَتَيْنِ لَا يُرِيدُ قَتْلَهُ فِيهِ أَثَلَاتٌ ثَلَاثٌ وَثَلَاثُونَ حِقَّةً وَثَلَاثٌ وَثَلَاثُونَ جَذَعَةً وَأَرْبَعٌ وَثَلَاثُونَ ثَنِيَّةً كُلُّهَا خَلِيفَةُ طُرُوقَةِ الْفَحْلِ وَإِنْ كَانَ مِنَ الْعَنَمِ فَأَلْفٌ كَبْشٍ وَالْعَمْدُ هُوَ الْقَوْدُ أَوْ رِضَا وَلِيِّ الْمَقْتُولِ. (الكافي، ج ۷، ص ۲۸۲)

در سند روایت محمد بن سنان وجود دارد که اگر چه ما او را ثقه می دانیم اما مشهور در وثاقتش تردید دارند و مفاد این روایت نیز تخیر بین خصال دیه است.

روایت دیگر صحیحہ عبد الله بن سنان است:

الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ وَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ وَ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ قَتَلَ مُؤِمناً مُتَعَمِّداً قِيدَ مِنْهُ إِلَّا أَنْ يَرْضَى أَوْلِيَاءُ الْمَقْتُولِ أَنْ يَقْبَلُوا الدِّيَّةَ فَإِنْ رَضُوا بِالدِّيَّةِ وَ أَحَبَّ ذَلِكَ الْقَاتِلُ فَالدِّيَّةُ اثْنَا عَشَرَ أَلْفاً أَوْ أَلْفُ دِينَارٍ أَوْ مِائَةٌ مِنَ الْإِبِلِ وَإِنْ كَانَ فِي أَرْضٍ فِيهَا الدَّنَانِيرُ فَأَلْفُ دِينَارٍ وَإِنْ كَانَ فِي أَرْضٍ فِيهَا الْإِبِلُ فَمِائَةٌ مِنَ الْإِبِلِ وَإِنْ كَانَ فِي أَرْضٍ فِيهَا الدَّرَاهِمُ فَدَرَاهِمُ بِحَسَابِ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفاً. (تهذيب الاحكام، ج ۱۰، ص ۱۵۹)

در این روایت یک بحث وجود دارد که تعین قصاص در مورد قتل عمد است که محل بحث ما نیست و ما در جای خودش گفته ایم ولی دم بین قصاص و دیه مخیر است بر خلاف مشهور که قصاص را متعین می دانند.

در این روایت نیز تخیر بین خصال ذکر شده است اما در آن خصوصیتی ذکر شده است که با سایر روایات متفاوت است. اول مقدار درهم را دوازده هزار درهم تعیین کرده است بر خلاف سایر روایات که در آنها ده هزار درهم ذکر شده است و بعد هم در مورد درهم تعبیری آورده است که نشان می دهد درهم جزو خصال در عرض سایر امور نیست بلکه درهم باید به حساب چیزی باشد که اصل باشد.

از برخی روایات استفاده می شود که درهم هفت دینار صیرفی است اما در زمان امام صادق علیه السلام درهم دیگری رواج یافته بوده که وزن آن شش دهم دینار بوده است.

با این حساب این روایت موکد این است که خصال ششگانه مذکور در روایت عبدالرحمن همه اصل نیستند چون در آن ده هزار درهم ذکر شده بود. با این بیان می‌توان این روایت را جزو طایفه دوم قرار داد.